

نشریه ادبیات تطبیقی (علمی - پژوهشی)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۹

سیمای امام حسین (ع) در شعر عاشورایی معاصر فارسی و عربی (با تکیه بر اشعار برجسته شاعران سده اخیر)*

دکتر عبدالعلی آل بویه لنگرودی
استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
دکتر نورگس انصاری
استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

چکیده

عاشورا حماسه‌ای بی نظیر در تاریخ بشری است که نامش تداعی گر نام بزرگ پرچم‌دار آزادی، آزادگی و ظلم ستیزی، حسین بن علی (ع) است. شخصیتی محوری و بی‌بدیل که جان‌های مشتاق و آزادی خواه از هر زبان و ملتی را مجذوب خود ساخته و با جاری شدن بر زبان اهل ذوق و ادب جاودانگی آن‌ها را رقم زده است. اما بی شک هر کسی به چشم خاکی خود این شخصیت الهی را می‌بیند، به عقل محدود خود آن را درک می‌کند و به زبان قاصر و در حد بضاعت خود آن را توصیف می‌کند. اما در نوع نگاه اهل ادب به عاشورا و شخصیت‌های حماسه آفرین آن عوامل متعددی از جمله شرایط سیاسی و اجتماعی و ... مؤثر است. این مقاله به بررسی اشعار برجسته برخی شاعران عاشورا سرای صد سال اخیر در زبان فارسی و عربی می‌پردازد، از این رو بررسی زاویه نگاه آنان به عاشورا، حماسه عاشورا و حضور سالار شهیدان (ع) در کربلا، عاطفه غالب بر اشعار، فضایل و ابعاد گوناگون شخصیت امام (ع) و بررسی ویژگی‌های مشترک اشعار عاشورایی در ترسیم سیمای امام (ع) از جمله دستاوردهای مقاله حاضر است.

واژگان کلیدی

ادبیات تطبیقی، شعر عربی، شعر فارسی، امام حسین (ع)، عاشورا.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۸/۱۵

۱- مقدمه

شخصیت‌های حاضر در کربلا اعم از قهرمانان و ضد قهرمانان، به عنوان آفرینندگان نهضت عاشورا، بخش عظیمی از ادبیات عاشورایی فارسی و عربی را به خود اختصاص داده و گاه در مقایسه با دیگر موضوعات، حضور برجسته‌تری دارند. علی‌رغم اشتراک دو زبان در پرداختن به این موضوع، می‌توان نقاط تمایزی را در رویکرد شاعران به این موضوع مشخص کرد؛ از جمله: مهمترین عناصر تشکیل دهنده هر یک از شخصیت‌ها در دو زبان، ابعاد شخصیتی مورد توجه شاعران عرب و ایرانی اعم از بعد فردی، اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی، نوع غالب توصیف‌های ایشان از شخصیت‌ها چون توصیف واقعی، خیالی، عرفانی، احساسی و عاطفی، همچنین، جنبه سوگ سرایی و حماسه‌سرایی اشعار عاشورایی، حوزه‌های دیگری هستند که می‌توان از دریچه آن به نقاط اشتراک و افتراق این ادبیات در بین دو ملت پی برد.

بدون شک، برترین این شخصیت‌ها که نقش محوری در عاشورا ایفا کرده و در شعر فارسی و عربی نیز به طور گسترده بدان پرداخته شده، شخصیت امام حسین (ع) می‌باشد. شخصیتی والا و الهی، جامع فضایل که پرداختن به تمام ابعاد شخصیتی ایشان در یک اثر و برای یک شاعر ممکن نبوده؛ لذا با توجه به شرایط روحی، عاطفی و اجتماعی افراد، بخشی از این صفات در اشعار تجلی می‌یابد که خود مجال قابل تأملی در اشعار شاعران دو زبان می‌باشد.

۲- امام حسین (ع) در شعر عاشورایی

۲-۱- نقاط اشتراک و افتراق

با نگاهی جامع به گزیده سروده‌های عاشورایی شاعران ایران و عرب می‌توان به برخی از اشتراکات دو زبان در این موضوع اشاره کرد، از جمله: شاعران به ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، اخلاقی، اعتقادی و... امام پرداخته و حتی ذکر نسب و مدح خاندان امام و توصیف صفات ظاهری و جسمی ایشان نیز از نظرها دور نمانده است. همچنین، تعابیر و اصطلاحات و صفات به کار گرفته شده توسط شاعران، حاکی از حضور ادبیات بُکایی و حماسی در هر دو زبان است، امری که ناشی از اختلاف در نوع نگاه به جریان عاشورا به عنوان یک تراژدی و یا یک

انقلاب و نهضت حیات بخش می باشد و گاه در هر دو زبان با تعابیر و تصاویری نامناسب برای معرفی شخصیت امام حسین (ع) روبرو هستیم، که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

من مانده ام غریب در این دشت پر بلا محزون و داغدیده، جگرخون و تشنه لب
خیزید و برغریبی من رحمتی کنید کامروز گشته صبح امیدم چو تیره شب
(فراهانی، بی تا: ۵۷)

محمد حسین کاشف الغطاء (ت ۱۳۷۳ق)، یکی از پیشگامان، سر آمدان، مجاهدان و مصلحان که نه تنها در میدان جنگ و مقاومت مسلحانه، بلکه در میدان مهم معرفت و نوآوری نیز با دشمنان رویارو شده است؛ او امام را در تنگنا و بدون پناه به تصویر می کشد که در جستجوی امنیت، راهی سرزمین مکه می شود، اما به واسطه ترس از بنی امیه، وادار به ترک آن شد:

مَثَلُ الْحُسَيْنِ تَضِيقُ الْأَرْضِ فِيهِ فَلَا يَذْرَى إِلَى أَيْنَ مَلَجَاهُ وَمَوْلَجُهُ
وَيَطْلُبُ الْأَمْنَ بِالْبَطْحَاءِ وَخَوْفُ بَنِي سُفْيَانَ يُثْلِقُهُ عَنْهَا وَيُخْرِجُهُ

(بحر العلوم، ۱۴۲۸ق: ۴۹۷)

در ورای این اشتراکات، اختلافات قابل ملاحظه‌ای در شعر عاشورایی دو زبان در پرداختن به شخصیت امام (ع) وجود دارد که موجب تمایز دو ادبیات می گردد. از جمله این تفاوت‌ها می توان به میزان توجه شاعران دو ملت به ذکر نسب و مدح خاندان امام (ع) اشاره کرد. ایشان در اشعار خویش از پیامبر اسلام (ص)، حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) یاد می کند و امام (ع) را با تعابیری چون: نواده پیامبر، پسر بتول، پسر فاطمه زهرا، فرزند شیر خدا، فرزند علی، تربیت یافته پیامبر و... معرفی کرده‌اند. بررسی اجمالی اشعار نشان می دهد که شاعران عرب بیش از شاعران ایرانی به این موضوع پرداخته اند؛ از جمله شعر جواهری:

فَيَا بْنَ الْبَتُولِ وَحَسْبِي بِهَا ضَمَانًا عَلَيَّ كُلِّ مَا أَدْعَى
وَيَا بْنَ الَّتِي كَمْ يَضَعُ مَثَلَهَا كَمَثَلِكَ حَمَلًا وَكَمْ تُرْضَعُ
وَيَا بْنَ الْبَطِينِ بِلَا بَطْنَةٍ وَيَا بْنَ الْفَتَى الْحَاسِرِ الْأَنْزَعِ

(الجواهری، ۱۹۸۲ م: ج ۲: ص ۲۶۷)

و محسن ابوالحب (ت ۱۳۶۹) از بزرگان خطابه و سخنوران منبر حسینی در بیان شجاعت امام، از علی بن ابی طالب (ع)، شیرمیدان نبرد یاد می کند که مبارزه عادت و پیشه او بود و حتی زمانی که شمشیرش کند شود، بلندی ها را هدف ضربه خود قرار می دهد:

أَبُوهُ كَيْثُ شَرَى وَالْحَرْبُ عَادَتُهُ إِنَّ شَلَّ صَارِمُهُ فَالضَّرْبُ لِلْقَلَلِ

(ابوالحب، ۱۳۷۵ ق: ۱۴۲)

(ای فرزند زهرای بتول که هم او بر تمام ادعاهای من کفایت می کند. ای فرزند مادری که کسی مانند او، چون تو را به دنیا نیاورده و شیر نداده است. ای فرزند علی (ع) که بدون اینکه بنده شکم خود باشد، نام بطین گرفت و کم مو.)

بولس سلامه، حقوق دان، نویسنده و شاعر مسیحی که از مشهورترین شاعران و ادبای کلاسیک لبنان بود، امام (ع) را پاره جان پدری بزرگوار و فاضل می داند که با فضل و کرمش، فرزند خویش را پرورش داده است:

بِضَعَّةٍ مِنْ أَبِ كَرِيمِ السَّجَايَا سَكَبَ الْفُضْلُ صَافِيًا فِي إِثَانِهِ

(سلامه، ۱۴۲۵ ق: ۲۱)

موارد زیر نیز نمونه ای از این مضمون است: آل طعمه، ۱۴۲۲ ق: ۸۳؛ نورالدین، ۱۴۰۸ ق: ۱۸۴؛ همان، ۱۶۸؛ شکور، ۱۳۸۳ ش: ۲۱۰.

مدح نسب و خاندان ممدوح در شعر عربی سابقه ای دیرینه دارد و با فرهنگ رایج در محیط عرب هماهنگ است؛ زیرا عرب ها از گذشته های دور به نسب و نیاکان خود افتخار می کرده اند. البته این بدان معنا نیست که شعر فارسی به این موضوع نپرداخته، بلکه حجم کمتری از اشعار فارسی را به خود اختصاص داده است.

حسین بن علی فرزند زهرا که نور چهره اش عالم گرفته

(رسا، ۱۳۴۰ ش: ۳۸۹)

من از تبار عشق ایثار و جهادم آزادگی سرچشمه گیرد از نهادم

جدّم رسول الله ختم المرسلین است بام علی یعنی امیرالمومنین است

(مؤید، ۱۳۷۳ ش: ۹۸)

در این میان گاه شاعر در توصیف شخصیت امام، به گرایش‌های ملی تمایل پیدا می‌کند و ایشان را متعلق به قومیت خود می‌داند. از آن جمله حلیم دموس (ت ۱۹۵۷)، شاعر مترجم امام (ع) را فرزند فاطمه زهرا (س) و مایه افتخار تمامی قوم عرب معرفی می‌کند:

هَذَا ابْنُ فَاطِمَةَ الزُّهْرَاءِ مَفْخِرَةٌ لِلْعُرْبِ مَا بَيْنَ دُنْيَاهُ وَ أُخْرَاهُ

(الطریحی، ۱۴۰۹ق: ۵۶)

در توصیف وضعیت ظاهری و ذکر صفات جسمانی نمونه‌های کمی در شعر فارسی وجود دارد:

رخ زیباش بهشت است و قد موزونش طوبی و خالش رضوان و لبش کوثر اوست
مهر او دار نعیم و کرمش نعمت او قهر او دار جحیم و سخطش آذر اوست
(بهار، ۱۳۵۴ش: ج ۱: ص ۱۹۹)

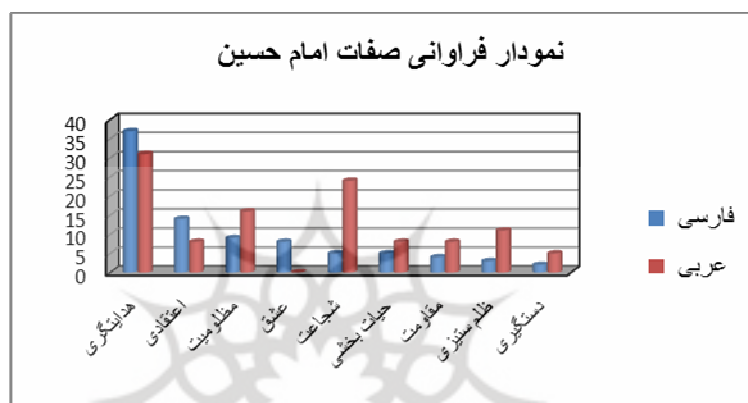
تو زیبایی به رگم هر چه زشتی... ماه من هستی / تو حسن محض و محض
حسن را داری حسینی تو (معلم، www.hamshahrionline.ir).

از دیگر سو، شاعران عربی‌زبان بیش از شاعران ایرانی در اشعار خود به تبیین صفات مختلف امام پرداخته‌اند. این میزان در شعر فارسی ۵۵ درصد از کل شاعران و در شعر عربی ۶۴ درصد از مجموع شاعران انتخابی را در بر می‌گیرد. چه بسا معرفی امام به عنوان یک رهبر انقلابی و مبارز بر ضد ظلم حاکمان فاسد و از طرف دیگر، نیاز جامعه معاصر عرب به حضور چنین رهبرانی در جامعه، تبیین کننده گرایش این شاعران به این مسأله است. نوع صفات انتخابی برای امام نیز مؤید این مطلب است که شاعران عرب در توصیف شخصیت امام، به دنبال ارائه یک الگوی مبارز و برتر در جامعه خویش بوده‌اند؛ به همین دلیل، بیش از همه بر زنده بودن و تداوم حیات ایشان تاکید کرده‌اند. ادونیس (علی احمد سعید) شاعر برجسته سوری، از زبان امام، او را بی حد و مرز و متعلق به تمام زمان‌ها و مکان‌ها معرفی می‌کند که مرزهای او، مرز خورشید و انسانیّت است. امام زنده است و سرتاسر دنیای بشری را درمی‌نوردد تا مرزها را از میان بردارد و به بشریت انقلاب و قیام بیاموزد:

لِي وَطَنٌ / لَا يَعْرِفُ التُّخُومَ، لَا تَحُدُّهُ الشُّطَّانَ

تَحُدُّهُ عَلَامَتَانِ .. الشَّمْسُ وَالْإِنْسَانُ / وَهَذَا أَنَا أَطُوفُ / كَيْ أُرْزَلَ الحُدُودُ / كَيْ
أَعْلَمُ الطُّوفَانَ (ادونیس، ۱۹۸۸: ۱۱۵)

نمودار زیر مبین نوع و میزان فضایی است که شاعران ایرانی و عربی در معرفی امام به کار برده‌اند:



با توجه به این نمودار می‌توان دریافت مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده شخصیت امام در هر یک از دو زبان تا حدودی متفاوت است. فضایی که بیش از همه در اشعار عربی نمود یافته، به ترتیب عبارت است از: هدایتگری، شجاعت، ظلم ستیزی، مقاومت، اعتقاد (ایمان)، یاری رساندن و دستگیری از دیگران، البته شاعران به دیگر فضایل اخلاقی امام نیز، چون کرم و بخشش، بزرگواری، شرافت، بلند همتی، صبر و... پرداخته‌اند که به دلیل حجم کم هریک، در نمودار وارد نشده است. یکی از ابعاد شخصیتی امام حسین (ع) مظلومیت ایشان است که شاعران عرب با ذکر صفاتی چون غربت، تنهایی و بی‌کسی، تشنه لبی و حزن و اندوه به دنبال نشان دادن این جنبه از چهره ایشان در اشعار خود بوده‌اند که با توجه به نمودار، حجم قابل توجهی از صفات را به خود اختصاص داده است.

این عناصر در شعر فارسی با تغییر در فراوانی برخی صفات، حذف و اضافه شدن برخی دیگر تا حدودی با شعر عربی متفاوت می‌گردد. هدایتگری، مظلومیت، عشق، شجاعت مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده شخصیت امام در اشعار

عاشورایی فارسی است که نمودار کاملاً مبین تفاوت کمیّت هر یک از آن هاست. در ادامه به منظور پرهیز از اطالۀ کلام و عدم نیاز به آوردن تمامی نمونه‌ها، به ذکر یک مورد از صفات برجسته اکتفا شده و بقیۀ موارد فهرست‌وار می‌آید.

شاعران با استفاده از تعابیر مختلف، بر هدایتگری و کشتی نجات بودن ایشان تاکید کرده‌اند. از جمله ده بزرگی در نشان دادن نقش امام در هدایت بشر، با نظر به احادیث دینی از بیان رمزی بهره می‌گیرد:

به زیر چتر بلند سپهر آبی پوش وجود شب شکنش چل چراغ عرفان بود
شکفته سوره ی نور هدایتش بر لب درون کشتی دل نوح اهل ایمان بود
(مردانی، ۱۳۷۷ش: ۴۲)

محمّد السّماوی (ت ۱۳۷۰) شاعر عراقی که به کسوت قضا نیز در آمده بود، امام (ع) را ادامه دهنده راه پیامبر و امیر المومنین (ع) معرفی می‌کند که ستون‌های هدایت را بنا کرده و آن را در اوج، متألّفاً و درخشان ساخته است:

شَادَ عَمَادَ الْهُدَىٰ وَ أَطْلَعَهُ بَدْرًا يُوَازِي بَدْرَ السَّمَاءِ وَضَحَهُ
عَدَا يُشِيدُ الْهُدَىٰ وَيَرْفَعُ مَا كَانَ أَبُوهُ النَّبِيِّ قَدْ فَتَحَهُ

(شبر، ۱۴۰۹ق: ج ۱۰: ص ۲۶)

ستون هدایت را بنا کرد و آن را چون ماهی تمام نمودار ساخت آن چنان که در روشنایی، به سان بدر آسمان بود. هدایت را استوار گردانید و آنچه پیامبر به دست خویش گشوده بود، مرتفع ساخت.

برای آگاهی از موارد بیشتر به منابع زیر رجوع نماید: قزوه، (۱) ۱۳۸۶ش: ۵۸؛ امیری فیروز کوهی، ۱۳۵۴ش: ج ۱: ص ۵۰۱؛ ناظر زاده کرمانی، ۱۳۶۹ش: ۱۵۶؛ ندیم، ۱۳۸۲ش: ۲۲۳؛ سازگار، ۱۳۸۵ش: ج ۳: ص ۲۲۶؛ همایی، ۱۳۶۴ش: ۱۲۹؛ صفارزاده، ۱۳۸۴ش: ۲۳۹؛ الهاشمی، ۱۴۰۶ق: ج ۱: ص ۱۸۵ و ۱۸۷؛ الوائلی، ۱۴۱۲ق: ۲۵ و ۴۱؛ آل طمعه، ۱۴۲۲ق: ۸۴؛ بحر العلوم، ۱۴۲۸ق: ۱۰۳؛ جمال الدین، ۱۴۱۵ق: ۵۰۶.

شجاعت و دلاوری یکی دیگر از فضایل بارز امام (ع) است که شاعران در بیشتر اشعار خود به توصیف آن پرداخته‌اند، همچون نمونه‌های زیر:

همچو علی، به معرکه با تیغ آبدار
با دشمنان دین خدا کرد کار زار
(مشفق کاشانی، ۱۳۶۵ش: ۲۶۸)

ریزد شجاعت از سر شمشیر تیزم
با یک جهان لشکر به تنهایی ستیزم
(مؤید، ۱۳۷۳ش: ۹۸)

شاعر امام را شجاعی توصیف می کند که اراده آهنینش به صخره های سخت
ماند و قهرمانی اش چنان است که پهلوانان از رویارویی با او ابا کنند:

مُسْتَبْسِلٌ أَخَذَتْ عَلَيْهِ
ه حَفِيظَةُ الْأَمْجَادِ عَهْدًا
مُتَّصِلٌ بِالذُّودِ عَزْ
مَا مَثَلِ صُمِّ الصَّخْرِ صَلْدًا
بَطَلٌ تَحَامَتَهُ الْكُمَاةُ
كَمَا تَحَامَى الْحُمُرُ وَرَدًا

(الأرزى، بی تا: ۳۲۸)

برای اطلاع بیشتر به موارد زیر مراجعه کنید: رسا، ۱۳۴۰ش: ۳۸۹؛ کرمانی،
۱۳۸۵ش: ۲۷۶؛ همایی، ۱۳۶۴ش: ۱۲۹؛ الأرزى، بی تا: ۳۳۹؛ الفرطوسى،
۱۹۷۸م: ج ۳: ص ۳۳۳؛ الامین، بی تا: ۳۴۵؛ الجواهرى، ۱۹۸۲م: ج ۲: ص ۸۷؛ سلامه،
۱۹۶۱م: ۲۸۱؛ آل طعمه، ۱۴۲۱ق: ۶۴، ۸۲، ۸۴؛ نورالدین، ۱۴۰۸ق: ۱۶۸؛ جمیل،
النبوذة الاولى <http://www.iraqcenter.net/vb/11577.html>؛ شیبیر،
۱۴۰۹ق: ج ۱۰: ص ۴۳؛ بحر العلوم، ۱۴۲۸ق: ۳۸۱؛ الهاشمی، ۱۴۰۶ق: ج ۱: ص ۱۹۵؛
هندي، ۱۴۰۹ق: ۴۵.

و یا گرمارودی، در توصیف مقاومت و پایداری امام، ایشان را به سنگ مانند کرده است:
تورا باید در راستی دید / و در گیاه / هنگامی که می روید / در آب، / وقتی
می نوشاند / سنگ / چون ایستادگی است / شمشیر / آن زمانی که می شکافد /
(گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۴۱)

مصطفی جمال الدین (ت ۱۹۹۸م)، شاعر عراقی، امام (ع) را در برابر سیل
دشمن، خروشان و مقاوم به تصویر کشیده که پیروزی و شکست برایش اهمیتی
نداشته و تنها به دنبال هدف والای خویش است:

و وَفَّتَ حَيْثُ أَرَا حَ غَيْرُكَ نَفْسَهُ
وَالْحَقُّ بَيْنَكُمَا يَهِيْبُ وَ يَرْغَبُ
فَصَمَدَاتٌ لِلتِّيَّارِ تَشْمَخُ هَادِرًا
سِيَّانٌ أَغْلَبُ مَوْجَهُ أَوْ أَغْلَبُ

(جمال الدین، ۱۴۱۵: ۵۰۶)

همچنین است نمونه های زیر: مشفق کاشانی، ۱۳۶۵ ش: ۱۷۸؛ کرمانی، ۱۳۸۵ ش: ۱۲۹؛ الوائلی، ۱۴۱۲ ق: ۲۵؛ نورالدین، ۱۴۰۸ ق: ۱۶۶؛ شبّر، ۱۴۰۹ ق: ج ۱۰: ص ۲۴۷؛ جمیل، المشهد الرابع، <http://www.iraqcenter.net/vb/۱۱۵۷۷.html>

محمّد رضا فرحات، در بیان صفت ظلم ستیزی، در خطاب به امام، ایشان را کسی معرفی می کند که ظلم را هرگز بر نمی تابد. شاعر از زندگی اش شکوه می کند، حیاتی که برای او چون مرگ است و آسایشی که وهمی بیش نیست:

إِيَّهٖ أَبِي الضَّيْمِ إِنَّ حَيَاتِنَا مَوْتٌ وَإِنْ نَعِمْنَا أَوْهَامُ

(نور الدین، ۱۴۰۸ ق: ۱۸۴)

در شعر سلمان هادی آل طعمه، شاعر و نویسنده عراقی که نزدیک به ۱۰۰ تالیف پیرامون کربلا دارد، نیز امام به واسطه نپذیرفتن ظلم به استقبال مرگ در میدان نبرد می رود:

وَسِرْتُ إِلَى الْمَنِيَّةِ فِي كَفَاحٍ تُقَاسِي الضَّيْمَ وَالْكَرْبَ الشَّدَاذًا

(آل طعمه، ۱۴۲۲ ق: ۸۲)

وگرمارودی امام را دشمن ستم می نامد:

ای باغ بینش / ستم، دشمنی زیاتر از تو ندارد / و مظلوم، یاوری آشناتر از تو (گرمارودی، ۱۳۶۳ ش: ۱۵۰).

در ادامه منابعی ذکر می شود که این مضمون در آنها آمده است: مشفق کاشانی، ۱۳۶۵ ش: ۱۷۸؛ صفارزاده، ۱۳۵۸ ش: ۴۵؛ العلایلی، ۱۹۷۲ م: ۱۰۸، ۱۰۷؛ شبّر، ۱۴۰۹ ق: ج ۱۰: ص ۲۷۱؛ الفرطوسلی، ۱۹۷۸ م: ج ۳: ص ۳۳۳؛ الجواهری، ۱۹۸۲ م: ج ۲: ص ۲۶۶، ۸۷؛ الأمين، بی تا: ۲۳؛ الخاقانی، ۱۴۰۸ ق: ج ۱۲: ص ۳۷۹؛ شکور، ۱۳۸۳ ش: ۲۱۰؛ آل طعمه، ۱۴۲۲ ق: ۶۳.

امّا در ذکر نمونه برای جنبه های اعتقادی، می توان آیات ادوار مرقص (ت ۱۹۴۸)، شاعر وادیب و زبان شناس و قصه نویس سوری را آورد. شاعر، اصحاب امام را سپاه بی پایان ایمان می نامد و کربلا را شهادی بر قوت ایمان امام و آنان می آورد:

إِيَّاهُمْ سَبَطُ النَّبِيِّ وَعِنْدَهُ حَسْبُ الْفَتَى مِنْ قُوَّةِ إِيْمَانِهِ
جَيْشٌ مِنَ الْإِيْمَانِ لَيْسَ بِنَافِدٍ
وَلِكَرْبَلَاءَ عَلَيْهِ أُصْدَقُ شَاهِدِ

(شبّر، ۱۴۰۹ ق: ج ۱۰: ص ۴۳)

امام حسین (ع) در شعرشاعر جوان انقلاب علیرضا قزوه، با نماد ایمان خواننده می شود:

بوسه بر زخمی که انسان خورده بود بوسه بر بغضی که ایمان خورده بود
(قزوه، ۱۳۸۶ ش: ۲۵۷)

برای نمونه های بیشتر به موارد زیر مراجعه کنید: شبّر، ۱۴۰۹ ق: ج ۱۰: ص ۲۴۷؛ الهاشمی، ۱۴۰۶ ق: ج ۱: ص ۲۱۱؛ أبو الحب، ۱۳۷۵ ق: ۱۴۲؛ نورالدین، ۱۴۰۸ ق: ۱۶۶؛ کرمانی، ۱۳۸۵ ق: ۲۹۲؛ الهی قمشه ای، ۱۳۸۰ ش: ۱۱۴؛ موید، ۱۳۷۳ ش: ۹۸.

هادی کاشف الغطاء (ت ۱۳۶۱ ق) نویسنده و شاعر، یاری رساندن و دستگیری امام را موضوع شعر خود قرار می دهد. او امام را آغشته در شنزار کربلا می بیند، ایشان را با ندای فریاد رس فریادخواهان خطاب می کند که اکنون بعد از این مصیبت چه کسی از بیوه زنان حمایت خواهد کرد:

فِيَا كَهْفَ الْأَرَامِلِ مَنْ يُرْجَى وَ أَنْتَ لَقِيَ تَكْفَنَكَ الرُّمُولُ
وَ يَا عَوْتَ الصَّرِيخِ مِنَ الْمُحَامِي إِذَا مَا فَاجَأَ الْخَطْبُ الْمَهُولُ

(الخاقانی، ۱۴۰۸ ق: ج ۱۲: ص ۳۷۹)
و گرمارودی چنین می گوید: مظلوم یاوری آشناتر از تو {ندارد}
(گرمارودی، ۱۳۶۳ ش: ۱۵۰).

همچنین است این نمونه ها: بحر العلوم، ۱۴۲۸ ق: ۴۹۸؛ همان، ۳۷۹؛ هندی، ۱۴۰۹: ص ۵۴.

پرداختن به جنبه مظلومیت از شخصیت امام، همدردی و تألم مخاطب را بر انگیزته و جنبه بکایی و رثایی شعر عاشورایی را بیشتر می کند. مهدی مطر (۱۳۹۲ ق) از بزرگان ادب و صاحب جایگاه بالا در فقه و اصول، عطش و تنهایی و غربت امام را نشانه ای از مظلومیت ایشان دانسته و برای به تصویر کشیدن مظلومیت امام در کربلا او را کشته تشنه لب، تشنه دور از آب و تنها می نامد:

بَأبَى أَفْدَى قَتِيلًا بِالظَّمَا وَ صَرِيعًا أَضْرَمَ الدُّنْيَا نِيَا حَا
لَيْبِكَ مُنْفَرِدًا أَحِيطَ بِعَالَمِ تُحْصِي الْحَصَى عَدَدًا وَمَا إِنَّ يُحْصَرَا
لَيْبِكَ ضَامٍ حَلْوَاهُ عَنِ الرَّوَى وَبَرَا حَتِيهِ مِنَ الْمَكَارِمِ أَبْحُرُ

(بحر العلوم، ۱۴۲۸ ق: ۳۸۰)

فدای آن تشنه کشته‌ای که دنیا را از نوحه و ناله پرشراره ساخته است. لیبیک آن مولای تنها و بی یاوری که عالمی را در سیطره خود قرار داده که اگر ریگ ها به شماره در آیند، آنان قابل شمارش نخواهد بود. کشته‌ای که او را از سیراب شدن باز داشتند؛ حال آن که دستان او دریای بزرگی و مکارم است.

کرد شاه شهید با دل ریش تکیه از بی کسی به نیزه ی خویش
گفت آیا کسم کند یاری؟ که نه یارم به جای ماند و نه خویش

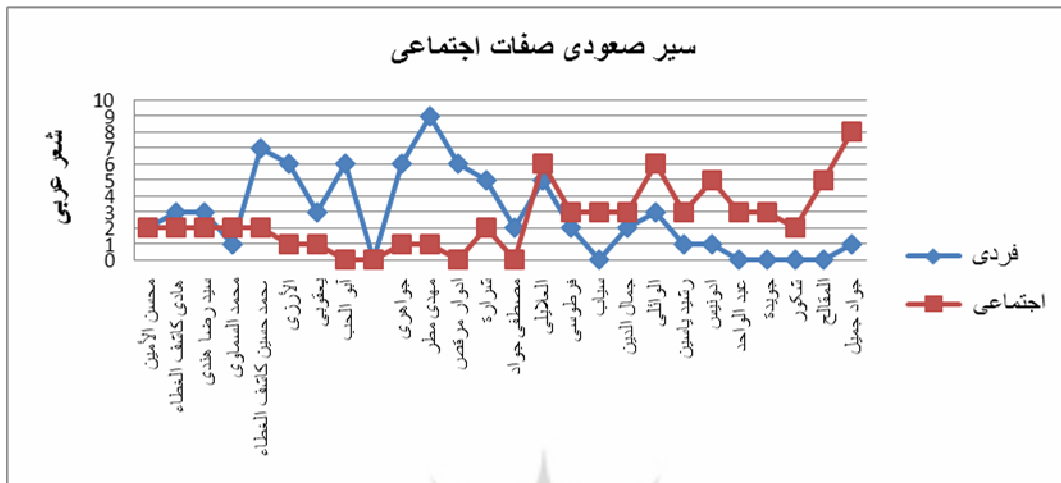
(شیرازی، بی تا: ۴۴۹)

برای اطلاع بیشتر به این موارد مراجعه کنید: ابوالحب، ۱۳۷۵ش: ۱۴۲؛ بحرالعلوم، ۱۴۲۸ق: ۳۸۱؛ همان: ۴۸۵؛ نورالدین، ۱۴۰۸ق: ۱۶۷؛ سلامه، ۱۹۶۱م: ۲۸۱؛ فراهانی، بی تا: ۵۷۰؛ شیرازی، بی تا: ۴۴۵؛ رسا، ۱۳۴۰ش: ۳۹۷، ۴۰۰؛ سازگار، ۱۳۸۵ش: ج ۳: ص ۲۵۳؛ مشفق کاشانی، ۱۳۶۵ش: ۲۷۵.

۲-۲- بعد فردی و اجتماعی شخصیت امام (ع) در اشعار

بعد فردی و اجتماعی شخصیت امام حسین (ع) و میزان رویکرد شاعران دو ملت به هر یک از آنها نیز از مسایل قابل بررسی در اشعار عاشورایی فارسی و عربی است. صفاتی چون صداقت، مقاومت، اخلاص، صبر، ایمان و .. نشان دهنده شخصیت فردی امام و صفاتی چون هدایتگری، نجات بخشی، نصرت و یاری دیگران، حیات بخشی و .. بیانگر تعامل ایشان با جامعه خویش بوده و بعد اجتماعی شخصیتشان را نشان می دهد.

در شعر عربی با رسیدن به دهه‌های اخیر شاعران بیش از دهه‌های آغازین به جنبه اجتماعی شخصیت امام پرداخته‌اند. در شعر فارسی اگرچه این بعد از شخصیت امام در نزد شاعران جوانتر پررنگ‌تر از جنبه فردی شخصیت ایشان است، اما همچنان به موازات بعد اجتماعی مورد توجه شاعران قرار می گیرد. این جریان در شعر عربی به نفع بعد اجتماعی رقم می خورد. نمونه‌هایی از این صفات پیش از این ذکر گردید.



در توضیح این مسأله می‌توان گفت: انعکاس یک جنبه از شخصیت یک اسطوره و قهرمان در بخش عظیمی از ادبیات یک ملت می‌تواند بیان‌کننده میزان توجه فرد و جامعه، همچنین نیاز آن‌ها به آن جنبه از شخصیت قهرمان باشد. در بررسی سیر تحول شعر عاشورایی عربی، شاعران از دیر زمان در مقام قیاس میان شرایط عصر خویش و حوادث عاشورا برآمده و آنچه را که با جامعه عصر خویش متناسب بوده، از حادثه کربلا استنباط کردند. بی‌عدالتی، سختگیری‌های موجود، روحیه سازش‌پذیری سران، تسلیم و ناامیدی از تحولات اساسی در جامعه عرب، فقدان رهبری واحد در میدان مبارزه و فساد رهبران حاکم باعث گردید تا شاعران با الهام از عاشورا صفاتی را از شخصیت امام انتخاب و در اشعارشان منعکس کنند که برخلاف روحیه حاکم در جامعه باشد. حضور امام به عنوان یک مبارز در عصر حاضر و پیوند میان قیام کربلا و حوادث جاری جامعه ی عرب از ویژگی‌های شعر عاشورایی عربی است. چنان‌که در نمونه‌های زیر می‌توان دید:

جواد جمیل، شاعر انقلابی عراق از زبان امام، خطاب به مردم از آنان می‌خواهد تا در جستجوی او در شهرهای سنگی نباشند، آنان که از حسین (ع) تنها به اندوه و اشک بسنده کرده‌اند؛ چرا که او از زمان شهادتش تنها در شهرهایی حضور دارد که نبض حیات و زندگی و مبارزه در آن می‌زند:

لا تَبْحَثُوا عَنِّي / فِي مُدُنٍ صَخْرِيَّةٍ / مَمْطُورَةٍ بِالِدَمْعِ وَالْحُزْنِ / فَإِنِّي مَا زِلْتُ
مُنْذُ رَحَلْتِي أَطُوفُ / فِي مُدُنٍ مَسْكُونَةٍ، دُونَ سَوَاهَا / بِالسَّكَاكِينِ وَبِالسِّيُوفِ /
(جمیل، <http://www.iraqcenter.net/vb/۱۱۵۷۷.html>).

وبدر شاکر السیاب از پیشگامان شعر معاصر عربی با روحیه استکبارستیزی که دارد، خطاب به یزید، از او می‌خواهد تا شاهد جاودانگی نام امام در طول حیات نسل‌ها باشد که چون مشعلی پرنور هرگز به خاموشی نمی‌گراید:

وَأَنْظُرُ إِلَى الْأَجْيَالِ يَأْخُذُ مُقْبِلٌ
عَنْ ذَاهِبٍ ذَكَرَى أَبِي الشُّهَدَاءِ
كَالْمَشْعَلِ الْوَهَّاجِ إِلَّا أَنَّهَا
نُورُ الْإِلَهِ يَجِلُّ عَنْ إِطْفَاءِ

(بحرالعلوم، ۱۴۲۸ق: ۱۰۳)

مصطفی جمال الدین نیز خطاب به امام، او را شعله‌ای نورانی در مسیر بشریت معرفی کرده و صدای وجدانی که گام‌های لغزان و خطاکار را به راه راست رهنمون می‌شود:

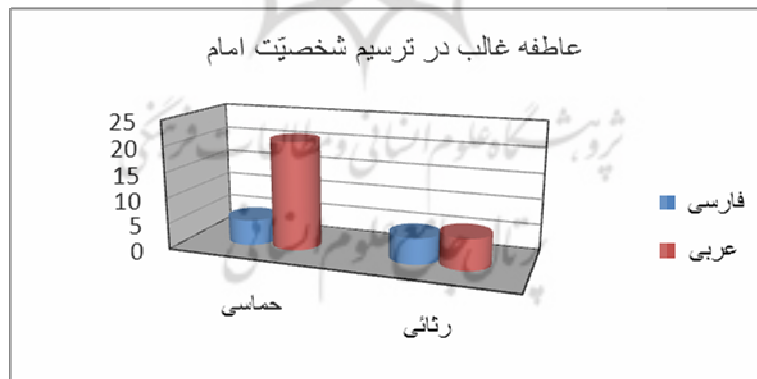
مَوْلَايَ أَنْتَ لِكُلِّ جَيْلٍ صَاعِدٍ
وَلَكَأَنَّتَ إِنْ زَلَّتْ بِهِ قَدَمُ الْهَوَى
قَبَسٌ يُنِيرُ لَهُ السُّرَى وَيُجَبِّبُ
صَوْتُ الضَّمِيرِ يَرُدُّهُ وَيُؤَنِّبُ

(جمال الدین، ۱۴۱۵ق: ۵۰۷)

حضور رهبران و شخصیت‌های دینی در دوره مشروطه و بعد از آن تا دهه‌های اخیر در ایران شاید دلیلی باشد بر اینکه شاعران ایرانی با وجود حاکمان ظالم در کشور چنین کمبود و نیازی در خود و جامعه خویش احساس نکنند. البته شکی نیست که شخصیت امام در شعر فارسی معاصر نیز حضور برجسته‌ای داشته و دارد. اما آنچه در اینجا مورد نظر ماست، تفاوت در ترسیم شخصیت ایشان در ارتباط با توصیف حوادث روز است. شاعران عرب اغلب در اشعار عاشورایی خود از مسایل روز و مشکلات جامعه خویش سخن گفته‌اند، در حالی که شاعران ایرانی در مطرح کردن مسایل روز خویش چون: جنگ تحمیلی، شخصیت امام خمینی و رحلت ایشان و مساله فلسطین از عاشورا و امام حسین (ع) به عنوان رمز استفاده کرده‌اند. به عبارت دیگر، ایشان برای ترسیم دقیق حوادث عصر جدید متوسل به عاشورا شده‌اند. یعنی رویکردی معکوس نسبت به شاعران عرب در پیش گرفته‌اند.

۳-۲- عاطفه برجسته اشعار در ترسیم سیمای امام (ع)

عاطفه از عناصر ضروری و ثابت شعر محسوب می‌شود که اغلب در شعر عاشورایی به صورت حزن و اندوه و یا شور و انقلاب و حماسه متجلی می‌شود، البته تجلی عشق و شیفتگی نیز کمابیش در بخشی از اشعار وجود دارد. شدت و ضعف عاطفه و نوع احساس غالب در اشعار دو زبان موجب تفاوت‌هایی در آن‌ها می‌گردد که در شعر شاعران معاصر کاملاً محسوس است. با بررسی سیر اشعار عاشورایی فارسی از دهه‌های آغازین، با حضور برجسته عاطفه حزن و اندوه در اشعار روبرو هستیم که نتیجه آن غلبه جنبه ماتم‌سرایی و ادبیات بکایی در شعر فارسی است. این روند در دهه‌های پایانی کمرنگ تر شده و شاعران به مرور زمان نگاه حماسی به نهضت عاشورا را در اشعار خود منعکس کرده‌اند. البته ادبیات بکایی نیز در راستای آن همچنان در ادبیات ادامه یافته است. این در حالی است که در نمونه‌های انتخابی از اشعار عربی از همان آغاز شاهد حضور ادبیات حماسی در اشعار هستیم. شاعران بیشتر به شخصیت مبارزاتی و جهادی امام پرداخته‌اند و کمتر به دنبال تأثیر آنی بر مخاطب و تهییج عواطف همدردی و ترحم و حزن او بوده‌اند.



به عنوان نمونه، ابیاتی از اولین شاعران انتخابی دو زبان را ذکر می‌کنیم، محسن‌الأمین (ت ۱۳۷۱هـ) عالم بزرگ لبنانی الأصل و از عالمان بزرگ شیعی که دارای تالیفات بسیار در حوزه‌های مختلف علمی است، امام را سوار میدان نبرد،

شیر عرصه مبارزه و محور آن برشمرده که در قتال ثابت قدم و استوار بوده و مرگ را نه نیستی، بلکه حیات و بهشتی اعطا شده به خود می‌بیند:

فَارِسُ الْحَرْبِ مُعَلِنُ الطَّعْنِ وَالضَّرْبِ هَزَبُ الْهَيْجَاءِ قُطْبُ رَحَاهَا
رَابِطُ الْجَاشِ لَا يَرَى الْمَوْتَ مَوْتاً بَلْ حَيَاةً وَجَنَّةً يَعْطَاهَا

(الأمین، بی تا: ۳۴۵)

سید رضا هندی، شاعر شیعی و عالم فقیه حوزه نجف اشرف نیز امام را تنها در میان ۳۰ هزار نفر از سپاهیان دشمن به تصویر کشیده که اگر اراده کند، کسی از آنان زنده نخواهد ماند:

يَكْرُ فِيهِمْ بِمَا ضِيهِ فَيَهْزُمُهُمْ وَهُمْ ثَلَاثُونَ أَلْفًا وَهُوَ مُنْفَرِدٌ
لَوْ شِئْتَ يَا عَلَّةَ التَّكْوِينِ مَحْوُهُمْ مَا كَانَ يَثْبُتُ مِنْهُمْ فِي الْوَعَى أَحَدٌ

(الموسوی، ۱۴۰۹ق: ۴۵)

و مانند نمونه های شعر ادیب الممالک فراهانی و فرصت شیرازی که پیش از این آورده شد. (ص ۳ و ۱۱) (فراهانی، بی تا: ۵۷) (شیرازی، بی تا: ۴۴۹).

۴-۲- کاربرد عنصر خیال در ترسیم سیمای امام (ع)

در مورد میزان بهره‌مندی اشعار عاشورایی عربی و فارسی از عنصر تخیل نیز باید گفت. این ادبیات در دو زبان، روند صعودی طی کرده و در نهایت به زبان نماد و رمز ختم شده است. در دهه های آغازین سده اخیر، شاعران با تعبیر و واژگان واضح و گویا از شخصیت امام سخن گفته‌اند، در حالی که با گذشت زمان ترسیم شخصیت امام خیالی‌تر شده، ابهام جایگزین وضوح گردیده است. این روند حرکت با جریان کلی ادبیات عربی و فارسی کاملاً منطبق بوده. شاعرانی چون صفارزاده، ده بزرگی، موسوی گرمارودی، حسینی از برجستگانی هستند که از زبان رمز برای تعبیر عاشورایی خود استفاده کرده‌اند. نمادهای آب، نور، آینه، صبح، شب و... بیانگر شخصیت امام حسین (ع) در شعر فارسی است:

تا بشکند سکوت زمان را رسول صبح گلبانگ خون به مسجد آدینه می زند
از رعد و برق شب شکنش بید مشک پیر آتش درون خر قه‌ی پشمینه می زند

(ده بزرگی، ۱۳۷۸ش: ۵۱)

حسین نام طالب حق است / حق / آینه است / که چون شکسته شود / هر ذره اش / دوباره آینه ای خواهد شد (صفارزاده، ۱۳۸۴ش: ۳۹).

در شعر عربی نیز برجسته ترین شاعر رمزگرا در ادبیات عاشورا جواد جمیل است. عبد العزیز المقالح، ادونیس و دیگر شاعران جوانتر رانیز می توان به آن ها افزود. مقالح، شاعر و ناقد از رموز باران، رود و گل برای امام استفاده می کند:
رَأْسُ الْحُسَيْنِ / غَدَاً وَرَدَّةً فِي الْحَدَائِقِ / أَنْشُودَةً صَارَ الْمُتَعَبِّينَ / وَنَهْرًا، وَنَافِذَةً
لِلْمَطْرُ (ابو غالی، ۱۴۱۵ق: ۲۷۹).

در شعر معروف نزار قبانی نیز شاعر با بیانی نمادین، امام (ع) را نماد مبارزه معرفی می کند که اکنون ردای آن بر قامت جنوب لبنان پوشانده شده است:
سَمَيْتُكَ الْجُنُوبِ / يَا لَابِسًا عَبَاءَةَ الْحُسَيْنِ / وَشَمْسَ كَرِبَلَاءَ

(قبانی، ۱۹۸۶م: ج ۳: ص ۶۲۸)

کربلا و عاشورای امام حسین (ع) چنان در لبنان تجلی می یابد که شاعر در میان دنیای ظلم خود، لبنان را در لباس سرور آزادگان عالم، و هم نام با او، تنها راهبر و مبارز انقلابی جهان خویش می یابد:
يَا سَيِّدِي : يَا سَيِّدَ الْأَحْرَارِ / لَمْ يَبْقَ إِلَّا أَنْتَ / فِي زَمَنِ السَّقُوطِ وَالِدِمَارِ / فِي
زَمَنِ التَّرَاجُعِ الثُّورِيِّ (همان: ج ۳: ص ۶۳۴).

بررسی اشعار دو مجموعه ی "الحسین لغة ثانية" جواد جمیل و "گنجشک و جبرئیل" سید حسن حسینی نشان می دهد این دو اثر عاشورایی، نمونه بارز گرایش نمادین ادبیات عاشورایی در دو زبان عربی و فارسی است.

۳- ویژگی های برجسته شعر فارسی در ترسیم سیمای امام (ع)

نگاه عارفانه و عاشقانه به عاشورا، شخصیت ها و حوادث آن یکی از نمودهای منحصر به فرد شعر عاشورایی فارسی است که در گذشته این زبان نیز سابقه داشته است. این نوع نگاه به عاشورا پیش از این، در شعر مولوی و در مثنوی "گنجینه الأسرار" عمان سامانی، تجلی یافته بود. در دوره مورد بحث نیز شاعرانی چون فؤاد کرمانی و ریاضی یزدی به ترسیم شخصیت عرفانی امام پرداخته اند. چنان که در نمودار فراوانی صفات نیز حضور صفت عشق در شعر فارسی نشان دهنده این تمایز میان دو ادبیات است و نوعی بیان لطیف از شخصیت امام به شمار می رود.

پناه رهروان راه عشق است	شهیدان خدا را شاه عشق است
کتاب وحی شمع خانه ی او	پیمبرها به جان پروانه ی او
کتاب اعظم و آیات رحمت	جهان عشق و دنیای فضیلت

(ریاضی یزدی، ۱۳۷۱ش: ۳۲۸)

سرّ خدای ازل غیب در اسرار توست	سرّ تو با سرّ حق خود ز ازل توأمند
محرم سرّ حبیب نیست به غیر از حبیب	پیک و رسل در میان محرم و نامحرمند

(کرمانی، ۱۳۸۵ق: ۱۸۷)

از دیگر مواردی که در شعر عاشورایی فارسی، جالب توجه به نظر می آید، کاربرد واژه شاه برای معرفی شخصیت امام حسین (ع) است. استفاده از این واژه، ریشه در فرهنگ ایرانی و حاکمیت شاهان در دوره های مختلف سیاسی معاصر ایران، به خصوص دهه های آغازین آن دارد. عباراتی چون (شهبسوار معرکه کربلا، شاه مظلوم، شاه، شاه لب تشنه، شاه شهید) بارها در اشعار شاعران ایرانی تکرار شده است.

در این نمونه ها نیز این مضمون را می توان یافت: ریاضی یزدی، ۱۳۷۱ش: ۳۲۸؛ همایی، ۱۳۶۴ش: ۱۲۹؛ معلّم، www.hamshahrionline.ir؛ رسا، ۱۳۴۰ ش: ۴۰۰.

شاهی که عنان عالمش بود به دست	بر ناقه ی بی عنان شدش اوج نشست
شاه شهید می چو ز جام بلا کشید	رخت از مدینه جانب کرب و بلا کشید

(کرمانی، ۱۳۸۵ق: ۲۹۱)
(شیرازی، بی تا: ۴۴۵)

۴- نتیجه:

درباره نتایج حاصل از این پژوهش می توان به اجمال چنین گفت: صفات مختلف امام، اعم از فردی و اجتماعی در شعر عربی بیش از شعر فارسی تبیین شده است. همچنین؛ یکی از ویژگی های شعر عربی در پرداختن به صفات امام (ع)، تجلی برجسته ذکر نسب و مدح خاندان امام (ع) است.

بررسی اشعار از دهه های آغازین سده اخیر تا پایان دوره مورد بحث نشان می دهد در حالی که شاعران فارسی زبان در حرکتی هماهنگ، بعد فردی و

اجتماعی شخصیت امام(ع) را در شعر خود مطرح می کنند، در شعر عربی صفات اجتماعی امام(ع)، در دهه های اخیر پررنگ می شود.

مقایسه شعر عربی و فارسی در ترسیم سیمای امام(ع)، حاکی از آن است که شاعران عرب زبان بیش از ایرانیان به تقریب میان حوادث دنیای معاصر خود و سال ۶۱ هجری قمری پرداخته اند؛ لذا مسایل و مشکلات روز در شعر عربی، حضور بیشتری دارند. در نوع نگاه حماسی و یا حزن انگیز بررسی ها نشان داد که نگاه حماسی به امام شعر فارسی، تنها در دهه های پایانی جلوه بیشتری یافت.

همچنین، اشعار عاشورایی عربی و فارسی در میزان بهره مندی از عنصر تخیل، روند صعودی را طی کرده تا آنجا که زبان شعر در آثار برجسته پایانی به زبان نماد و رمز منتهی می شود. یکی از ویژگی های برجسته شاعران ایرانی در پرداختن به شخصیت امام(ع)، نگاه عارفانه آنان به عاشورا و در نتیجه امام است.

کتابنامه

الف: کتاب ها

۱. آل طعمه، سلمان هادی (۱۴۲۲هـ- ۲۰۰۱م) *الحسین فی الشعر الکربلائی*، بیروت: موسسه الفکر الاسلامی، ط ۱.
۲. ابوالحب، محسن (۱۳۷۵ق) *دیوان*، نجف: مطبعة الآداب، لا ط.
۳. ابوغالی، مختار علی (۱۴۱۵ق) *المدینة فی الشعر العربی المعاصر*، الکویت: عالم المعرفة، لا ط.
۴. الأزری، عبدالحسین (بی تا) *دیوان*، مکی السیدجاسم و شاکر هادی (تحقق)، بیروت: لبنان مؤسسه النعمان، لا ط.
۵. ادونیس (علی احمد سعید) (۱۹۸۸م) *المسرح و المرایا*، بیروت: دار الآداب، ط جدیدة.
۶. امیری فیروز کوهی، عبدالکریم (۱۳۵۴ش) *دیوان*، امیربانوی مصفا(شرح)، تهران: چاپخانه بهمن - حیدری، بدون نوبت چاپ.
۷. الأمین، السیدمحسن (لا تا) *الدرالنضید فی مرائی السبط الشهید*، قم: منشورات مكتبة الداوری، لا ط.

۸. الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۸۰ش) **نغمهٔ حسینی**، قم: پارسایان، چاپ اول.
۹. بحر العلوم، مهدی (۱۴۲۸هـ-۲۰۰۷م) **بدائع الشعراء فی رثاء السیدالشهداء**، بیروت: دارالزهراء، ط ۱.
۱۰. بهار، محمدتقی (۱۳۵۴ش) **دیوان اشعار محمدتقی بهار**، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.
۱۱. جمال‌الدین، مصطفی (۱۴۱۵هـ-۱۹۹۵م) **دیوان**، بیروت: دارالمؤرخ العربی، ط ۱.
۱۲. الجواهری، محمد مهدی (۱۹۸۲م) **دیوان**، بیروت: دارالعودة، ط ۳.
۱۳. الخاقانی، علی (۱۴۰۸هـ ق) **شعراء الغری النجفیات**، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ط ۲.
۱۴. ده‌بزرگی، احد (۱۳۷۸ش) **گزیدهٔ ادبیات معاصر**، تهران: کتاب نیستان، چاپ اول.
۱۵. رسا، قاسم (۱۳۴۰ش) **دیوان**، تهران: چاپ بهمن، چاپ اول.
۱۶. ریاضی یزدی، محمد علی (۱۳۷۱ش) **دیوان**، حسین آهی (مصحح)، تهران: جمهوری-اسدی، بدون نوبت چاپ.
۱۷. سازگار، غلامرضا (۱۳۸۵ش) **نخل میثم**، قم: نشر حق بین، چاپ سوم.
۱۸. سلامه، بولس (۱۴۲۵هـ-۲۰۰۴م) **مآثر الإمام علی بن ابی طالب و الإمام الحسین فی وجدان بولس سلامه و شعره**، بیروت: دارالحمراء، ط ۱.
۱۹. ----- (۱۹۶۱م) **عیدالغدیر**، بیروت: دارالاندلس، ط ۲.
۲۰. شبیر، جواد (۱۴۰۹هـ-۱۹۸۹م) **ادب الطیف، أو شعراء الحسین**، بیروت: دارالمرتضی، ط ۱.
۲۱. شیرازی، فرصت الدوله (بی تا) **دیوان**، تهران: کتابفروشی سیروس، بدون نوبت چاپ.
۲۲. صفارزاده، طاهره (۱۳۸۴ش) **دیدار صبح**، تهران: پارس کتاب، چاپ دوم.
۲۳. الطریحی، محمد سعید (۱۴۰۹ق) **اجراس کربلاء**، بیروت: موسسه البلاغ، ط ۱.

۲۴. فراهانی، ادیب الممالک (بی تا) **دیوان**، وحید دستگردی (تصحیح)، تهران: چاپخانه مروی، بدون نوبت چاپ.
۲۵. قبانی، نزار (۱۹۸۶م) **الاعمال السياسية الكاملة**، بیروت: منشورات نزار قبانی، ط ۴.
۲۶. قزوه، علی رضا (۱۳۸۶ش) **من می گویم شما بگریید**، تهران: انتشارات سوره مهر، چاپ هفتم.
۲۷. کرمانی، فؤاد (۱۳۸۵ق) **دیوان شمع جمع**، حسین بهزادی اندوهجردی (مصحح)، کرمان: انتشارات ولی، چاپ اول.
۲۸. گرمارودی، علی (۱۳۶۳ش) **خط خون**، چاپ گلشن، چاپ اول.
۲۹. مردانی، نصرالله (۱۳۷۷ش) **شعر اربعین**، تهران: نشر شاهد، چاپ اول.
۳۰. مشفق کاشانی (۱۳۶۵ش) **آذرخش**، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.
۳۱. مؤید، سید رضا (۱۳۷۳ش) **گل های اشک**، مشهد: انتشارات علی زاده، چاپ سوم.
۳۲. الموسوی، موسی (۱۹۸۸م - ۱۴۰۹هـ) **دیوان السیدرضا الموسوی الهندی**، سیدعبدالصاحب الموسوی (تعلیق)، بیروت: دارالأضواء، لا طا.
۳۳. ناظرزاده کرمانی، احمد (۱۳۶۹ش) **دیوان**، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۳۴. ندیم، مصطفی (۱۳۸۲ش) **مضمون شهید و شهادت**، تهران: شاهد، بدون نوبت چاپ.
۳۵. نورالدین، حسن (۱۴۰۸ق) **عاشورا فی الأدب العاملی المعاصر**، بیروت: الدارالإسلامیة، ط ۱.
۳۶. الوائلی، احمد (۱۳۷۰هـ - ۱۴۱۲م) **دیوان**، قم: انتشارات الشریف الرضی، ط ۱.
۳۷. الهاشمی، سیدمحمدجمال (۱۴۰۶هـ - ۱۹۸۵م) **دیوان (مع النبی و آله جزء اول)**، سبهر، جزء اول، ط ۱.
۳۸. همایی، جلال الدین (۱۳۶۴ش) **دیوان سنا**، به اهتمام ماه دخت بانوهمایی، تهران: نشر هما، چاپ اول.

ب: مقاله

(۱) شکور، جورج (۱۳۸۳ش) "لوکان للقلب الوفی"، رسالة التقرب، ش ۴۶، صص ۲۰۹-۲۱۸.

ج: سایت

(۱) جمیل، جواد، الحسين لغة ثانية، <http://www.iraqcenter.net/vb/۱۱۵۷۷.html>.

(۲) معلم، علی، روایت حر، www.hamshahrionline.ir/.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی